

نقش امضاء و اثر انگشت از نظر قانونی

۲

امضاء از دید ادبی

دور از حزم و احتیاط است وقتی که میپذیریم امضاء از اندیشه جهان غرب سرچشمه گرفته و به وسیله مستشاران خارجی وارد جامعه ایرانی شده. در تاریخ و ادبیات فارسی قبل از ورود آنان به دستگاه اداری عنوانی داشته و یا نسبت به وجود آن اشاره گردد. مگر اینکه به معنای لغوی آن متوجه باشیم که در صورت امکان دارد بمناسبتی درمتمون نظم و نثر جائی گرفته باشد معینا محتاج پژوهش و تحقیق است. تا بتوان درباره آن اظهار عقیده نمود.

اما به مجرد اینکه چنین اصطلاحی در تشکیلات اداری و سیاسی وقت متداول شد. و مورد عمل قرار گرفت کم کم افراد باسواد و تحصیل کرده به تأثیر و خاصیت اعتباری آن آشنا شدند. قهراً در تاریخ و ادبیات معاصر به صور مختلف راه یافت. چنانکه ایرج میرزا متولد ۱۲۹۱ متوفی سال ۱۳۴۴ هجری قمری برای اینکه خود همکاری نزدیکی با مستشاران خارجی داشت زودتر از سایرین به وجود امضاء وقوف یافته و آنرا در یک قطعه از آثار نظمی خود بکار برده است. و میگوید:

بایدش امضا کنی بسیار زود
تا دعا گوید برای آن وجود
ما خداوندان احسانیم و جود

قبض آقای کمال السلطنه
پس فرستی با همین مشدی سهیل
گر رسوم از ما طمع داری بگوی

چنانکه ملاحظه میشود شاعر برای گرفتن سندی که مورد علاقه‌اش بوده امضای آنرا مطالبه می‌نماید و حتی درصدد استرضای خاطر امضاءکننده نیز قرار گرفته و مایل است اگر برای امضای آن رسم معموله را متوقع است. با رضایت خاطر ادا نماید زیرا او دارای صفت احسان و گذشت است.

شاعر دیگری که نام و مشخصاتش برای نگارنده معلوم نشده اشاره دیگری به امضاء دارد. او نیز ممدوح خود را که شاید دارای مقام و منزلت قضا یا حاکمیت داشته و امضایش سر نوشت ساز بوده چنین می‌ستاید:

گردون گشاده چشم و زمانه نهاده گوش هر حکم را که رأی تو امضاء کند همی
این دو مورد نمونه از ورود اصطلاح امضاء در شعر و ادب فارسی است و لابد موارد و شواهد دیگری نیز هست. که فعلا دسترسی به آنها نداریم.

در نوآوریهای ادبی و حتی صنعتی جوامع بشری در هر نقطه از دنیا برای پذیرش آن همیشه به دو بخش متمایز تقسیم میشود. دسته به مجرد آشنائی و اطلاع از آن قدم پیش می‌نهد و آنرا باروی باز و گشاده می‌پذیرد. وجهت اشاعه آن باتمام قوا میکوشد. و از اینکه پیش قدم شده بر خود می‌بالد و افتخار هم میکند. متقابلا جمع دیگری بوجود می‌آید که بنا به جهات سیاسی و یا علل سنتی و حفظ آداب و رسوم گذشته دروضع و موقعیت سابق می‌ماند. و عدول از آنرا جائز نمی‌داند. در پذیرش امضاء نیز معتبر کردن اسناد و نوشتجات روز این رویه خود بخود پیداشد. تشکیلات اداری از هر نوعی که بود. ادبا و نویسندگان و طبقه روشن فکر آنرا به زودی در روابط اداری و کتبی جای دادند. ولیکن محررین و فقها که زمام امور تنظیم اسناد آن روز را در دست داشتند همچنان در حفظ روش گذشته پا برجاماندهند. همین طوریکه حالا هم آثار مشهود است. با این نوآوریهای غریبی روی موافق نشان ندادند و همچنان از مهر برای تنفیذ و اعتبار اسنادی که می‌نوشتند استفاده کردند.

وحتی وقتی که نمایندگان مجلس شورای ملی از طبقات مختلف انتخاب می‌شود به مجلس آمدند. در کمیسیون‌های آن برای امضاء صورت جلسات مجلس از مهر استفاده نمودند. مستند نگارنده در این باره صورت جلسات کمیسیون‌های مجلس شورای ملی تا دوره دهم است که غالباً به مناسبتی در مطبوعات تحقیقی چاپ و منتشر می‌شود. البته هر قدر بر عمر پیدایش امضاء افزوده شده همین اندازه موجودیت مهر در مراجع مختلف قانون‌گذاری کاسته است. تا روزی که بکلی استعمال مهر در این موارد بکلی متروک شده و امضاء جای خود را به معنای واقعی کلمه گرفته است.

سهولت جعل در امضاء

اگرچه امضاء و خط از دید اعتباری در هر نوشته یا سندی دارای اثر انکار ناپذیری است و درجه از قدر متیقن را ارائه می‌دهد با این وجود در موارد سوء استفاده از امضاء سهولتی که برای ساختن یا نوشتن آن فراهم است و به آسانی صورت عمل به خود می‌گیرد بر عکس در جعل مهر و استفاده از آن منصفانه باید قبول کرد که مشکلات مهمی هست. و سوء استفاده از آن به ضرر صاحب مهر خیلی مشکوکی است. زیرا که در ساختن و نوشتن امضاء کلیه مقدمات عمل در دسترس شخص است. و عوامل سازنده امضاء به تنهایی از یک نفر تأمین می‌شود. و قلم و کاغذ و مرکب که یکی از عوامل اصلی جعل است در همه وقت و همه جا در دسترس عمومی است.

در صورتیکه مهر و استفاده از آن خیلی بیش از آنچه به نظر می‌رسد تهیه‌اش برای یک فرد ذی‌علاقه به جعل موانع و مشکلاتی دارد. هر صاحب اراده جعل و تزویر مهر حكاك نیست و هر حكاكي آن اندازه مهارت و استادی ندارد که بتواند تمام شرایط ظاهری مهر را در صنعت و هنر خود به وجود آورد. و جلب رضایت و موافقت حكاك هم مسئله است که به این سادگی و سهولت آماده تهیه و تسلیم مهری که متعلق به دیگری است نمی‌پذیرد. علاوه بر این باید دستمزد معمولی مبادرت به

چنان عمل خطیر و نابجائی نمی‌کند. لذا پایداری و مقاومت معدودی برای استفاده از مهر خیلی منطقی هم نبوده است.

بهر تقدیر امضاء این پدیده کتبی و هنری بشر جنبه قبولی بین‌المللی بخود گرفته. و در جهان متمدن از شرق تا غرب پذیرش قضائی و سیاسی دارد. و همه بی‌چون و چرا بادیده احترام و اعتبار خاصی در آن می‌نگرند. زمانی آرامش دل و جان برای ذی‌نفع بوجود آورده و گاهی تشویش اضطراب و مرگ به‌مراه دارد. چقدر دلها برای بدست آوردن آن نه‌تپیده و دعا و نیاز و صدقه و بسا تطمیع برای این چند خط ساده و بی‌اهمیت که ایثار نشده است. و بنظر نمی‌رسد که این عامل سازنده مادی و معنوی مانند اسلاف گذشته خود (قول و تار موی سیلت و مهر) روزی از موقعیت و اثر اعتباری خارج شود. و يك پدیده دیگری مستحقاً و یا بدون استحقاق جانشین آن گردد.

امضاء یعنی چه ؟

این سئوالی است که شاید در پیدایش اولیه امضاء در جامعه ما مکرراً در مواقع تکلیف انجام آن صورت گرفته. یکی از موارد آن که مربوط به سال ۱۲۹۸ شمسی و اولین روزهای اجرای مقررات سجلی از طرف بلدییه (شهرداری) تهران بوده مربوط میشود. چگونگی چنین بوده که یکی از رجال روز که حالا روی در نقاب خاک نهاده و من به احترام وی از ذکر نامش خودداری میکنم. در حین تحصیل شناسنامه خود بعد از آنکه اظهارنامه سجلی را به کمک مأمور ثبت احوال پرمیکند برای او تکلیف امضاء ذیل آن میشود.

جالب آنکه باوجود تحصیلات کافی در حد قضاوت از درك مفهوم و عمل امضاء عاجز میشود. و با تعجب و حیرت از مأمور سجل احوال میپرسد (امضاء یعنی چه؟) وی که اصولاً آماده شنیدن چنین سئوالی نبوده به گویش عامیانه پاسخ میدهد که

(امضاء یعنی چرت و پرت) درحالیکه نازه این دو کلمه آخر نیز مفهومی برای اظهار کننده سجلی نداشته و بیشتر از سابق سردرگم میشود که چه باید بکند .

آخر الامر بعد از مبادله چند سؤال و جواب چون از تفهیم عمل امضاء برای يك فرد با سواد در سطح عالی عاجز می ماند ناگزیر قلم را از دست متقاضی میگیرد و چند خط بی حساب و کتابی روی کاغذ مینویسد . وحالی میکند که چنین عملی را امضاء میگویند . گویانکه او از این تعلیم بظاهر مهممل و بی خاصیت چیزی دستگیرش نمی شود که برای چند خط پریشان و درهم چه فایده مترتب است . معهدا برای اسقاط تکلیف اداری به تقلید از مأمور ثبت احوال عمل امضاء را ندانسته انجام می دهد و بدین وسیله منظور قانونی جهت امضاء سند سجلی حاصل میشود .

بدیهی است که با وجود عدم آشنائی بوجود امضاء و بی سابقه بودن آن به این شخصیت با سواد که بعداً در مقام وزارت نیز نائل آمد ایرادی نبود . زیرا که امروز با گذشت هشتاد سال از آشنائی ایرانی به وجود امضاء و نحوه آن . اگر بخواهیم آنرا برای يك نفر بی اطلاع از کم و کیف عملی امضاء توصیف کنیم باز هم خالی از اشکال و ابهام نخواهد بود . جز اینکه باز از نحوه عمل مأمور ثبت احوال آنروز پیروی کنیم .

بنظر این جانب حداکثر تعریفی که از لحاظ حقوقی میتوان از امضاء نمود (نوشتن نام شخص و نام خانوادگی است بطور خوانا با چند خط و علامت معقولی که لااقل دوسوم مشخصات سجلی شخص را ارائه دهد) و شاید این تعریف با این خصوصیات از هر جهت وافی به مقصود هر شنونده با خواننده نباشد . مع الوصف میتواند برای هر شخص قبل از دیدن طرز عمل نوعی برای شناخت امضاء رهنمون باشد . تا صاحب نظران چگونه تلقی نمایند .

رعایت ادب در امضاء

ما در هر شرایطی که مطلبی را روی کاغذ می نویسیم و امضاء میکنیم در واقع

با خواننده آن سخن میگوئیم . میدانیم که سخن گفتن آدابی دارد . و قواعدی را لازم دارد . بدون رعایت آن نمی توان سخن را بخوبی در کرسی قبول مخاطب قرار داد . و از آن نتیجه مطلوب را بدست آورد . برای اینکه شنونده حالات و رفتار ما را در ترازوی عقل و اندیشه خود میسنجد و نسبت به آن جواب رد یا قبولی میدهد که برای پیشرفت منظور ما بسیار مؤثر است .

در این صورت با قبول این اصل آیا امضاء ما در ذیل يك نوشته یا سند مانند سخن گفتن مان دارای اثر مثبت یا منفی جهت خواننده و بیننده نخواهد داشت . مسلماً که جواب ما مثبت است . و طرز سخن گفتن که عالی ترین نمودار شخصیت اخلاقی ما بشمار میرود به موازات آن نوشته ما و امضای آن بالاترین معرفت فضیلت و خصال اجتماعی ما محسوب نخواهد شد ؟

با توجه به چنین توضیحاتی اگر چه ارائه امضاء بهر شکل و قیافه از اختیارات ما بحساب می آید . با همه این همین طوریکه مختصراً در بحث گذشته اشاره نمودیم تاکنون ترتیب و قاعده مدونی برای ترسیم آن ابراز نشده . نباید از نظر دور داریم که عمل امضاء نیز با توجه به استدلال بالا ملازمه مستقیمی از رعایت ادب و احترام را دارد . و ما آزادی مطلق را برای ارائه و ترسیم آن نداریم . امضائی که از پایان يك نوشته و یا سند شروع میکند . و بخش وسیعی از آن نوشته را احاطه میکند و یا برعکس قسمت بزرگی از ذیل امضاء را اشغال مینماید . نشانه از خودخواهی و خروج از حدود متعارف . و داشتن تمایلات مبالغه است و شخص را مآلایی تراکت و عاری از ذوق سلیم معرفی می نماید .

چند سال قبل به نقل از مطبوعات اقتصادی آمریکا خبری در یکی از مجلات کشورمان خواندم . که یکی از مؤسسات مهم اقتصادی ایالات متحده آمریکا برای استخدام دو نفر کارشناس بانکی یا اقتصادی با شرایط بسیار سنگین و حقوق مافوق آگهی داده بود . سردبیر مجله که آگهی استخدام با آن شرایط سنگین

منتشر نموده بود در دنبال حصول نتیجه یا داوطلب میشود که ببیند آیا با آن شرایط حاد چند نفر داوطلب این خدمت میشوند. تا بالاخره اطلاع می‌یابد که فقط دو نفر واجد شرایط آن مؤسسه شده و آماده قبول خدمت شده‌اند.

جالب آنکه این دو نفر که بنظر هیئت مدیره واجد شرایط بودند وقتی فرمهای استخدای خود را پر کرده و امضاء میکنند یکی از آنها برای اینکه امضای مبالغه آمیزی داشته باوجود ضرورت و واجد بودن شرایط خدمت به همان دلیل یعنی داشتن امضای (خودخواهانه و مبالغه آمیز) به آن چنان سمت و باوجود نیاز مؤسسه پذیرفته نمی‌شود. وقتی مراتب را به داوطلب ابلاغ میکنند سر به احترام خم میکنند. که تشخیص هیئت مدیره درست است و من آدم خودخواهی هستم. چه خوب می‌گوید استاد سخن.

اندازه نگهبان که اندازه نکوست هم طالب دشمن است و هم لایق دوست بازم اگر توفیقی باشد بابحث دیگری در خدمت خواننده گرامی خواهم بود.

ابراهیم خلیل میثاقی ممقانی

توضیح - مقاله آقای میثاقی را بعنوان مقاله وارده و بمنظور طرح این قبیل مطالب در مجله، چاپ کردیم ولی باید یادآور شد که امضاء و مهر که بمنزله پایان هر نوشته‌ای است و بدینجهت هم خاتم گفته شده است سابقه‌ای طولانی تر از آنچه نوشته‌اند در ایران دارد و امضاها و پادشاهان و بزرگان دیگر و دانشمندان هم اکنون درموزه‌ها در ذیل اسناد و توقیعات دیده میشود و ما در آینده در این باره بتفصیل سخن خواهیم گفت.